

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته کریستوفر بلاک* - [Christopher Black](#)

برگردان از: حمید محوی

۲۷ فبروری ۲۰۱۸

گزارش درباره ارزیابی امکانات هسته نی امریکا :

دنیا دشمن ماست



*کریستوفر بلاک وکیل کیفری کانادایی



دنیا دشمن ماست و ما حق تخریب جزئی یا کلی آن را برای خودمان حفظ می‌کنیم. این جوهر بنیادی ارزیابی امکانات هسته‌ئی آمریکا است که اخیراً منتشر شده، پرونده‌ی یک کمپانی تبهکار که محور آن روی تسلط بر جهان تمرکز یافته و توضیح می‌دهد که چگونه با به کار بستن جنگ افزارهای نوین هسته‌ئی با «انعطاف بیشتر» به این تسلط دست خواهد یافت.

کلید درک تمایلات آمریکا در جمله‌ای نوشته شده که در صفحه ۲۲ این پرونده دیده می‌شود و می‌گوید :

« برای کمک به حفظ بازاریابی و تضمین همپیمانان و همکاران، ایالات متحده آمریکا هرگز سیاست «عدم پیش دستی در کار بست» [جنگ افزار هسته‌ئی] را نپذیرفته و با توجه به تهدیدات کنونی، امروز چنین سیاستی توجیه پذیر نیست. سیاست آمریکا حفظ ابهام در برخی شرایط مشخص است که می‌تواند به پاسخ هسته‌ئی از سوی آمریکا بینجامد.»

به سخن دیگر، امریکائی‌ها می‌گویند :

[« ما به شما اجازه می‌دهیم حدس بزنید که [ما] چه هنگامی و علیه کی جنگ افزار هسته‌ئی به کار خواهیم برد. ما نقش خودمان را در جایگاه بزرگترین دولت تروریست حفظ خواهیم کرد و شمشیر داموکلس را بالای سر ملتها آماده نگه خواهیم داشت تا مطمئن باشیم که جهان در راستای منافع ما عمل می‌کند. »]

شمشیر [داموکلس] هسته‌ئی امریکائی که هم اکنون در حال ساخت آن هستند با جنگ افزارهای کوچکتر [مینیاتوری] تیز خواهد شد که در نبردهای زمینی، بحری و هوایی کاربرد بیشتری خواهد داشت. در حالی که تا پیش از این جنگ افزارهای هسته‌ئی به مقوله خاصی از جنگ افزار تعلق داشت که معنایش مرگ ده‌ها یا صد‌ها هزار نفر از مردم بود، و کار بست آن را نیز از دیدگاه اخلاقی و حقوق بین‌الملل محکوم می‌دانستند، ولی امروز امریکائی‌ها آن را به نام جنگ افزار متعارف در ارتش کلاسیک خودشان به خدمت گرفته‌اند. چنین رویدادی خطر کار بست اینگونه جنگ افزارها را از یک احتمال به یک حرکت حتمی تبدیل کرده است، زیرا تهدید کار بست آن علیه هر گونه وضعیتی اعلام شده که از دیدگاه آنان حتا در صحنه جنگ کلاسیک، ضروری به نظر رسد. در نتیجه اگر امریکائی‌ها حمله روسیه به کشورهای بالتیک را سازماندهی کنند [زیر پرچم دروغین] و مدعی شوند که نیروهایشان برای جلوگیری از حمله خیلی ضعیف است، در این صورت از جنگ افزارهای هسته‌ئی برای مقابله با حمله‌ای که به مانند بهانه صحنه پردازی کرده بودند روی اهداف واقعی استفاده خواهند کرد و بر این پایه میلیونها انسان از بین خواهند رفت.

شمشیر هسته‌ئی به شکل خطرناکی و مینی بر آرزومندیها و تخیلات بیمارناک پنتاگون روی سر مردم روسیه، چین، کوریای شمالی و ایران نگه داشته شده و فقط به این بهانه که این کشورها ایالات متحده آمریکا را تحریک یا تهدید کرده‌اند، در حالی که تهدید کننده و تحریک کننده اصلی خود امریکاست. جنگ هسته‌ئی این ۴ کشور را تهدید می‌کند، فقط به این علت که این کشورها علیه تجاوز و تهدید امریکائی‌ها واکنش نشان دادند و سعی می‌کنند از خودشان دفاع کنند.

نگرش آمریکا درباره نقش خودش در پیمان نامه منع گسترش سلاح هسته‌ئی، به گونه‌ای که در موضع گیری سیاسی نوین برای استفاده احتمالی از پرونده در یک فراز کوتاه تعریف شده در واقع برای گول زدن ابله‌هایی که کار می‌آید که در جست و جوی صلح هستند : این نگرش، نگرش یک پولیس جهانی با حق مقدس الهی است که کار بست جنگ افزار هسته‌ئی را برای خودش مجاز می‌داند ولی از سوی دیگر این حق را برای دیگران یعنی همه دیگران نفی می‌کند.

امریکائی‌ها پیوسته دروغهایی را تکرار می‌کنند که بر پایه آن گوئی روسیه پیمان نامه‌های مربوط به جنگ افزارهای هسته‌ئی را زیر پا گذاشته و دست به حرکت تجاوزکارانه زده و یا کورای شمالی را به نقض منشور منع جنگ افزار

هسته ئی متهم می کنند در حالی که کوریای شمالی جزء امضاء کنندگان این پیمان نامه نیست. به همین گونه چین را به نقض پیمان نامه های مشابه و تجاوز در بحیره چین جنوبی متهم می کنند، و ایران را نیز متهم می کنند که گوئی در حال شانه خالی کردن از تعهداتش برای دوری جستن از ساخت جنگ افزارهای هسته ئی ست. همه این کشورها «رویزیونیست»، «تجاوزکار»، «خطرناک برای نظم جهانی» ترسیم می شوند، یا وقتی که اندکی صداقت بروز می دهند، به نام عوامل تهدید کننده برای منافع امریکائی ها معرفی می شوند، یعنی تهدید برای نظم استبدادی امریکا بر جهان. ولی دولت ملتها یگانه بر پا کننده احتمالی «حرف آخر» خودشان نیستند.

امریکائی ها گامی بیشتر برداشته و اعلام کرده اند که علیه هر دولتی که به گروه های «تروریستی» جنگ افزار هسته ئی می دهد جنگ افزار هسته ئی به کار خواهد برد. در صفحه ۶۷ این پرونده اعلام شده است :

«ایالات متحده امریکا هر دولت، گروه تروریستی یا دیگر بازیگران غیردولتی را که به گروههای تروریستی اجازه دهند تجهیزات هسته ئی به کار ببرند مسؤول می داند. گر چه نقش جنگ افزارهای هسته ئی امریکا در مبارزه علیه تروریسم هسته ئی محدود است، برای بازدارندگی مؤثر، دشمنان ما باید بدانند که حمله تروریستی علیه امریکا یا هم پیمانان و همکارانش به مثابه وضعیت بحرانی بسیار شدید بازشناسی شده و امریکا می تواند با شدیدترین اقدامات تلافی جویانه پاسخ بگوید.»

همانگونه که می دانیم امریکا در گذشته بارها با راه اندازی عملیات زیر پرچم دروغین به مانند بهانه جنگ و توجیه تجاوزاتش استفاده کرده و در اینجا نیز می بینیم که موضع گیری خطرناکی اتخاذ کرده زیرا [چنین فرازهایی در این پرونده] به این معنا ست که امریکا خیلی بسادگی می تواند کوریای شمالی را به تجهیز هر گروهی به جنگ افزار هسته ئی متهم کند و به همین بهانه با جنگ افزار هسته ئی به این کشور حمله کند.

یک قطره حقیقت در همه این پرونده وجود ندارد، یک کلمه درباره این واقعیت که جهان علیه امریکا خودش را مسلح می کند نوشته نشده، زیرا امریکائی ها از هنگامی که روی خون میلیونها بومی قاره امریکا در نخستین جنگ های پیروزمندانه شان به قدرت رسیدند کمابیش به همه کشورهای جهان حمله کردند و یک لحظه از تهدید جهانیان باز نایستادند.

یک کلمه درباره حمله هسته ئی امریکا به جاپان نوشته نشده، حتا یک اشاره برای یادآوری حمله به کوریا، ویتنام، گرانادا، امریکای مرکزی و جنوبی، عراق، سوریه، لبنان، رواندا، کنگو، یوگوسلاوی، افغانستان، چین، ونزولا، سرنگونی اوکراین، پشتیبانی از فاشیستها در همه جا... بسیار خوب، به این ترتیب می توانم به تکمیل فهرست جنایات امریکا علیه ملتها، جوامع، مردم و فرهنگ های دیگر در سراسر جهان ادامه دهم، ولی با چنین کاری ممکن است سبب کسالت خودم و خوانندگانم شوم.

همانگونه که یان اوبرگ رئیس بنیاد بین المللی برای پژوهشهای صلح و آینده در سویدن افشاء کرده است، رسانه های غربی روی این «خطرناکترین» پرونده سکوتی جنایتکارانه اختیار کرده اند، و یا توان نقد و ابراز نگرانی از آن را در خود نیافته اند، و یا دستور دریافت کرده اند که دست به چنین کاری نزنند، یعنی رویکردی که آنان را به شریک جرم طرح های جنایتکارانه امریکا و همپیمانانش تبدیل کرده است. فقط بی بی سی مقاله ای درباره متهم دانستن امریکا از سوی چین، روسیه و ایران منتشر کرد، ولی برای تنزل اتهامات برخی جملات را داخل گیومه گذاشته بود.

چین اعلام کرد که کشورش قویاً با چنین سیاستی مخالفت می کند و نمی پذیرد که چین را در جایگاه تهدید هسته ئی معرفی کنند و به روشنی گفته است که این سیاست امریکا نفی پیمان نامه منع گسترش سلاح های هسته ئی ست. وزیر امور خارجه روسیه به سهم خود اعلام کرد که امریکا جنگ طلب است و کشور او اقدامات ضروری برای جلوگیری

از چنین تهدیداتی را به عمل خواهد آورد. ایران نیز سیاست امریکا را به نقض حقوق بین الملل متهم دانست. ولی شاید این زیگمار گابریل وزیر امور خارجه المان بود که شدیدترین انتقادات را مطرح کرد :

« موضع گیری جدید هسته ئی در دولت ایالات متحده امریکا نشان از اوج تازه مسابقه تسلیحاتی دارد که از هم اکنون آغاز شده. همانگونه که در دوران جنگ سرد شاهد آن بودیم، چنین امری اروپا را به شکل وخیمی تهدید می کند. به جای دستگاه های جدید نظامی، ما به اقدامات جدید در زمینه خلع سلاح نیاز مندیم.»

المانی ها، فرانسوی ها و بریتانیایی ها همه از سیاستهای امریکا رویگردانند. وزیر امور خارجه المان کشورش را به اتخاذ سیاست خارجی قاطعانه ای فراخواند و اعلام کرد که اروپا باید نیروی خاص خودش را تدارک ببیند (زیر نظر المان)، و امریکائی ها باید از اروپا دوری گزینند و منزوی شوند، که امروز به جای همکار در جایگاه رقیب اقتصادی اروپا مطرح هستند و در نتیجه امریکائی ها همکاران مطمئنی برای اروپا در زمینه امور امنیتی نیستند، بلکه کاملاً به عکس، می بینیم که وضعیت اروپا را بین روسیه و امریکا به مخاطره انداخته اند.

رئیس جمهور امریکا دونالد ترمپ گوئی از همه این مسائل بی اطلاع بوده و با جذب های «مک چاقو کش» (شخصیت نمایشی در یکی از نمایشنامه های برتولت برشت) اعلام کرد که اگر امریکائی ها آماده به کار بستن جنگ افزارهای نوین هسته ئی در ابعاد کوچکتر هستند، به این علت است که سبب جلوگیری دیگران برای استفاده از چنین جنگ افزارهای خواهند شد. به سخن دیگر چنین ادعائی به این معناست که آمادگی امریکا برای جنگ جهانی برای ما معجزه صلح به همراه خواهد داشت، البته روشن است که تضمین صلح تا وقتی اعتبار دارد که ملتهای دیگر دقیقاً طبق آنچه ما می گوئیم عمل کنند. ولی در اینجا می توانیم از جان گلتونگ استاد برجسته پژوهشهای صلح در اسلو نقل قول بیاوریم :

« دلیل خیلی مهم برای ممنوعیت جنگ افزار هسته ئی و دیگر جنگ افزارهای کشتار جمعی این است که آستانه جنگ قابل قبول را افزایش می دهد. از جنگ کلاسیک دفاع می کنند چون که هسته ئی نیست. به همین علت چهار چوب حقوق بین المللی برای جنگ، نخستین قربانی جنگ افزارهای هسته ئی ست و فقط با ممنوع دانستن این ناسزا به بشریت است که می تواند اعتبار خود را بازیابد. »

می بینیم که دکتر گلتونگ درست دیده است زیرا واکنش کشورهای که تهدید شده اند بر پایه تسلیم نبوده بلکه راه مقاومت را در پیش گرفته اند و دستگاه های جنگ افزار هسته ئی خودشان را تقویت نموده و سیاست کاربست جنگ افزارهایشان را نیز برای رویارویی با امریکائی ها تنظیم کرده اند. از این پس، جهان در آستانه سقوط دهشتناکی به سر می برد.

آلبرت انشتاین در سال ۱۹۵۰ می گفت : « تا وقتی که همه اقدامات بر پایه احتمال جنگ انجام می گیرد دست یابی به صلح ناممکن است. رقابت تسلیحاتی شیوه مناسبی برای جلوگیری از جنگ نیست. هر گامی که در این زمینه برداشته می شود ما را به همان اندازه به فاجعه نزدیکتر می کند. رقابت تسلیحاتی بدترین شیوه برای جلوگیری از جنگ آشکار است. به عکس، نمی توانیم به صلح حقیقی دست یابیم بی آن که به شکل سازمان یافته و دائمی در سطح فراملی به خلع سلاح بپردازیم. تکرار می کنم، گسترش سیاست جنگ افزار مدار ما را از جنگ در امان نمی دارد بلکه مستقیماً به سوی جنگ هدایت می کند. »

او این فراز را در دورانی نوشته است که من کودک بودم، امروز ما در وضعیت بسیار خطرناکتری به سر می بریم. در ۲۵ جنوری روزنامه دانشمندان هسته ئی پیشبینی ساعت پایان جهان را از دو و نیم دقیقه پیش از نیمه شب به دو دقیقه پیش از نیمه شب تغییر داد. علت چنین تغییری نیز به دلیل نگرانی از سوی تهدیدات هسته ئی، دگرگونی های آب

و هوایی و فن آوری‌های بوده که دولت‌ها علیه شهروندان خودشان به کار می‌برند. بیانیۀ دانشمندان هسته‌ئی پیش از انتشار راهکار هسته‌ئی امریکا منتشر شده است، و بی‌گمان را ما را باز هم اندکی بیشتر به نیمه شب نزدیک می‌کند. شور بختانه می‌بینیم که حتا آنان [دانشمندان هسته‌ئی] نیز شیوه بیان و تبلیغات دولت امریکا را درباره تجاوز روسیه و ادعای بی‌پایه و اساسی که کوریای شمالی را به مانند تهدید تلقی می‌کند باور کرده اند و تکرار می‌کنند. پس ما به چه چیزی می‌توانیم امیدوار باشیم وقتی که حقیقت را استنار می‌کنند و واقعیت توسط همانانی که در شرایط دشوار باید به ما هشدار بدهند تحریف می‌شود؟

دنیائی که ما در آن زندگی می‌کنیم دنیای بسیار فجیعی ست و تا هنگامی که ما آن را دگرگون نکنیم چیزی در وضعیت آن تحول نخواهد یافت. پیش از این در نامه‌ای سرگشاده (۱) به دیوان بین‌المللی کیفری از دادستان درخواست کرده بودم که در مورد رهبریت امریکا در تبنانی با هم پیمانانش برای ارتکاب به نسل‌کشی علیه مردم کوریا تشکیل پرونده دهد. ولی انتشار این پرونده جدید درباره راهکار هسته‌ئی امریکا می‌تواند به مانند مدرک جرم برای اثبات تبنانی برای کشتار جمعی همه مردم جهان به کار برده شود. این پرونده از شیوه بیانی گانگسترهای امریکائی الهام گرفته شده و به همه می‌گویند: «کاری را که ما به شما می‌گوئیم انجام دهید وگرنه سر به نیست خواهید شد.»

وقت آن فرا رسیده که برخیزیم، مقاومت کنیم، به خیابان بیائیم، و صدایمان را به گوشها برسانیم، در تاریکی ماندگار نشویم و روی سرنوشتمان اشک نریزیم زیرا که برای پیروزی در مبارزه برای خلع سلاح، صلح، و به دست گرفتن کنترل راه حل وجود دارد، ما همه کار خودمان را انجام می‌دهیم، چرا که نه؟ اگر در روشنائی به جلو گام برداریم، اگر دست به کار شویم می‌توانیم واقعیت را ببینیم. ولی اگر دست به کار نشویم، در این صورت به قول «مک چاقو کش» که در بالا یاد کردیم (نوشته برتولت برشت)

«بعضی‌ها در تاریکی هستند

و دیگران در روشنائی

ولی فقط آنانی را می‌بینیم که در روشنائی هستند

و نه آنانی که در تاریکی به سر می‌برند.»

پاورقی مترجم :

(۱) مراجعه شود به مقاله: توطئه نسل‌کشی علیه کورای شمالی: نامه سرگشاده به دیوان بین‌المللی کیفری نوشته کریستوفر بلاک و گریم مک‌کوئین

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/le-rapport-devaluation-du-dispositif-nucleaire-des-etats-unis-le-monde-est-notre-ennemi/5623394>

گاهنامه هنر و مبارزه/۲۶ فبروری ۲۰۱۸

مرکز پژوهش‌های جهانی سازی، ۲۰ فبروری ۲۰۱۸